

نقش تعدیل‌کننده باور به زندگی پس از مرگ در رابطه سرمایه معنوی اسلامی با استرس Moderating Role of Belief in the Life after Death in the Relationship of Islamic Spiritual Capital with Stress

Jafar Abshahi

MA in Industrial and Organizational
 Psychology, Department of Psychology, Islamic
 Azad University, Esfahan (Khorasgan) Branch.

Dr. Mohsen Golparvar*

Associate Professor, Department of Psychology,
 Islamic Azad University, Esfahan (Khorasgan)
drmogolparvar@gmail.com

جعفر آب‌شاهی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه آزاد اسلامی،
 واحد اصفهان (خوراسگان)

دکتر محسن گل‌پرو (نویسنده مسئول)

دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش باور به زندگی پس از مرگ در رابطه سرمایه معنوی و استرس شغلی اجرا شد. پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری آن کارکنان یک کارخانه کاشی‌سازی در اصفهان بودند که از میان آن‌ها دویست و چهل نفر به شیوه در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از سه پرسشنامه سرمایه معنوی اسلامی (ISCQ)، پرسشنامه باور به زندگی پس از مرگ (BALDQ) و پرسشنامه استرس شغلی (JSQ) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($p < 0/01$)، اما بین سرمایه معنوی اسلامی با باور به زندگی پس از مرگ رابطه معناداری وجود ندارد ($p > 0/05$). نتایج تحلیل رگرسیون سلسله-مراتبی نشان داد که باور به زندگی پس از مرگ رابطه بین سرمایه معنوی اسلامی را با استرس شغلی تعدیل می‌کند. به این معنی که وقتی باور به زندگی پس از مرگ در سطح بالایی است، سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی دارای رابطه منفی و معناداری است ($p < 0/01$). ولی وقتی باور به زندگی پس از مرگ در سطح پایینی است، سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی رابطه معناداری ندارد ($p > 0/05$). نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که باور به زندگی پس از مرگ می‌تواند عاملی مهم در ارتباط بین سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی باشد.

کلید واژه‌ها: سرمایه معنوی اسلامی، استرس شغلی، باور به زندگی پس از مرگ

Abstract

Current research was administered with the aim of studying the moderating role of belief in life-after-death on the relationship between spiritual capital and job stress. Research method was correlation one and the statistical population comprised employees of a tile factory in Esfahan city, among them two hundred and forty persons were selected by accessible sampling. Research instruments were the spiritual capital questionnaire (ISCQ), belief in life-after-death questionnaire (BALDQ) and job stress questionnaire (JSQ). Data was analyzed using Pearson correlation coefficient and hierarchical regression analysis. Results indicated that, there is a negative and significant relationship between Islamic spiritual capital and job stress, but there is not significant relationship between belief in life-after-death and Islamic spiritual capital. Also the results of hierarchical regression analysis revealed that belief in life-after-death moderates the relationship of Islamic spiritual capital and job stress. In the other word, when belief in life-after-death is in high level, there is a negative and significant relationship between Islamic spiritual capital and job stress. But when belief in life-after-death is in low level, there is no significant relationship between Islamic spiritual capital and job stress. The results of this study indicate that the belief in life-after-death is an important factor in the link between Islamic spiritual capital and job stress.

Key words: Islamic spiritual capital, job stress, belief in life-after-death.

پذیرش: آبان ۹۶

دریافت: شهریور ۹۶

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

از بعد معرفت‌شناختی، توجه بشر به معنویت برخاسته از فطرت حقیقت‌جو و تعالی‌گرای وی و تلاش برای یافتن پاسخی درخور به سوالاتی معطوف به اهداف خلقت و حیاتش بر روی کره خاکی بوده است (کورلین، لانتوس، رووچ، سالگرن و چین، ۲۰۰۵). البته علی‌رغم

فراز و فرودهای فراوان همواره در مقاطع مختلف تاریخ زندگی بشر شاهد تجدید حیات دوبار توجه وی به معنویت هستیم (اکبری، ۲۰۱۳؛ کله‌سورایت^۱، ۲۰۱۲). در دین مبین اسلام نیز هدف خالقت انسان‌ها طی مسیر تعالی و تکامل خصایص و رفتارهایی فراتر از رفتارهای خودخواهانه و صرفاً شخصی به سوی خصایص و رفتارهایی هماهنگ و همسو با آموزه‌هایی است که خالق بی‌بدیل و حکیم مطلق هستی آن‌ها را فراروی بشر قرار داده است (گل‌پرور و جوادیان، ۲۰۱۶). اندیشیدن به مسیر تعالی منتهی به لقاءالله از طرق مختلفی می‌تواند در انسان‌ها خود را نمایان سازد. یکی از این نموده‌ها کامل‌تر شدن اندیشه‌ها در قالب مفاهیمی ارزنده و الهام‌بخش نظیر تلقی معنویت به عنوان سرمایه معنوی^۲ است. در دین اسلام معنویت به عنوان پدیده‌ای همپوش با رفتارها و باورهای مذهبی (اعم از واجب و مستحب) تلقی شده که بر پایه دل‌بستگی، توکل و امید به لطف و مدد بیکران الهی شکل می‌گیرد (یوسف^۳، ۲۰۱۱). به معنایی دیگر معنویت در بین مسلمانان از طریق پایبندی به آداب و شعائر دینی مطرح در آموزه‌های پیامبر مکرم اسلام (ص) و تلاش پیگیر و مستمر برای دل‌بستگی و پیوند روانی و شناختی با خالق هستی نمود یافته و معنا می‌یابد (یوسف، ۲۰۱۱). در تعریفی همسو با آموزه‌های اسلامی معطوف به دل‌بستگی و پایبندی به خداوند و دستورات هدایتگر حکیم بخایشگر هستی، می‌توان گفت سرمایه معنوی اسلامی^۴ نیرو و نفوذ حاصل از دل‌بستن به نیروی مافوق بشری یعنی خداوند متعال است که موجب آرامش، ارزش‌گرایی معنوی، تاثیرگذاری معنوی، تلاش هدفمند (تعالی‌گرا) و امیدواری غایت‌نگر^۵ می‌گردد (گل‌پرور و جوادیان، ۲۰۱۶).

بر اساس تعریف ارائه شده، منبع لایزال الهی در پیوند با باورها و رفتارهای انسان، نیرویی عظیم و بی‌پایان را به انسان عطا می‌کند که فراتر از سرمایه مادی، ماهیتی زاینده، پویا، هدایت‌گر و تنظیم‌کننده دارد (گل‌پرور، دارایی و خیاطان، ۱۳۹۳). در نگاه دین مبین اسلام سرمایه معنوی به سان هر سرمایه دیگر، بستری برای اطمینان، آرامش و تلاش هدفمند برای انسان محسوب می‌شود (فاروق^۶، ۲۰۰۶). در حقیقت دل‌بستگی به خداوند متعال و حکمت بی‌بدیل او منجر به ایجاد پایگاهی امن برای انسان‌ها می‌شود تا از آن طریق با تلاش و پشت‌کار برای اهدافی آخرت‌نگر به سوی دنیایی بهتر، سرشار از آرامش و صلح حرکت نمایند (همدانی و اعتراف^۷، ۲۰۰۲). در همین راستا تسلط یک فضای معنوی/روانی مبتنی بر توجه پیوسته به معمار یکتا و بی‌بدیل هستی را می‌توان سرمایه‌ای بی‌پایان و زاینده، یا همان سرمایه معنوی تلقی کرد (گل‌پرور، احمدی و جوادیان، ۱۳۹۳ الف). همچنین بر پایه تعریف ارائه شده زمانی می‌توان پدیده‌ای نظیر معنویت را در قالب سرمایه معنوی صورت‌بندی کرد که ماهیت هدایت‌گر، تولیدکننده صداقت، درست‌کاری و تکریم انسان‌ها، ماهیت انرژی‌بخش داشته باشد، مبتنی بر حکمت پنهان و آشکار خدامحور باشد، بر ارزش‌های معنوی نظیر اعتماد، ارزشمندی و کرامت انسان استوار باشد، منجر به تأثیرات معنوی نابسته به موقعیت در محیط اطراف شود و از طریق وجود فرصت ارتباط خصوصی با خدا و راز و نیاز با وی تقویت شود (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۹۳ الف؛ پالمر و وانگ^۸، ۲۰۱۳؛ شوارتز^۹، ۲۰۱۰؛ لیو^{۱۰}، ۲۰۱۱). در حمایت از رویکرد معنویت به مثابه سرمایه معنوی، شواهد پژوهشی در دسترس نشان از آن دارد که معنویت و معنویت‌گرایی عاملی مهم و اساسی برای بخشش، گفتار و کردار نیک، سلامتی و بهزیستی، صبر و پشتکار، اعتماد، نوع‌دوستی و عاملی جهت غلبه بر مشکلاتی است که انسان‌ها در مسیر زندگی خود با آن مواجه می‌شوند (بیکر و اسمیت^{۱۱}، ۲۰۱۰؛ گل‌پرور و جوادیان، ۲۰۱۶؛ همرلی^{۱۲}، ۲۰۱۰؛ ویت‌فورد^{۱۳}، ۲۰۰۷؛ یوسف^{۱۴}، ۲۰۱۱).

پس از معرفی سرمایه معنوی اسلامی، حقیقتی که باید به آن توجه داشت این است که انسان‌ها به صورت خودآگاه و ناخودآگاه اغلب از تمام توان و نیروی خود به عنوان پشتوانه‌های روانی و معنوی برای مقابله و مواجهه با شرایطی که با آن مواجه می‌شوند استفاده می‌کنند. به معنایی دقیق‌تر، از طریق رویکرد سرمایه معنوی اسلامی به مثابه یک منبع سرمایه‌ای توان‌افزا، انسان‌ها می‌توانند بر بسیاری از دشواری‌ها

1. Kelso-Wright
2. spiritual capital
3. Yusuf
4. Islamic spiritual capital
5. futurism hope
6. Farooqi
7. Hamdani & Eatzaz
8. Palmer & Wong
9. Schwartz
10. Liu
11. Baker & Smith
12. Hämmerli
13. Waetford
14. Yusuf

و ناملایمات زندگی خود با احساس حمایت آشکار و نهان از طریق نیرویی فرارسانایی غلبه نمایند (گل پرور و جوادیان، ۲۰۱۶). یکی از پدیده‌هایی که با احتمال زیاد می‌تواند به‌طور مستقیم و یا در قالب تاثیرات تعاملی پیچیده سرمایه معنوی با متغیرهای دیگر تحت تاثیر قرار گیرد، استرس شغلی^۱ است. در تعریفی ساده می‌توان گفت استرس شغلی، آگاهی از احساس نارسایی کارکرد شخصی در اثر شرایط ادراک شده فشارآور یا اتفاقات محیط کار است، که واکنش‌های جسمانی و روانی را در اثر کار در محیطی تهدیدآمیز، نامطبوع و ناراحت کننده به همراه می‌آورد (گل پرور، کامکار و جوادیان، ۲۰۱۲). جنبه‌های مختلفی از زندگی کاری افراد نظیر گرانباری کاری، فقدان قدرت، ابهام نقش، تعارض نقش و تهدید رشد و پیشرفت شغلی (شامل احساس بی‌ارزشی، و ارتقاء مبهم) می‌توانند برای افراد استرس‌آفرین باشند (گل پرور، نیری و مهداد، ۱۳۸۷). شواهد به نسبت قابل توجهی نشان می‌دهد که معنویت در محیط کار با احساس تحت استرس بودن دارای رابطه منفی است (آزاد مرزآبادی، هوشمندجا و پورخلیل، ۱۳۹۲؛ زارعی محمودآبادی و سدروپوشان، ۱۳۹۳). برای نمونه گایگل^۲ (۲۰۱۲) در یک بررسی مروری بر روی معنویت و پیامدهای آن در محیط کار بخش اعظمی از مطالعات حوزه معنویت و همبسته‌های آن را مرور نموده و نشان داده که بین معنویت با استرس شغلی و فرسودگی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

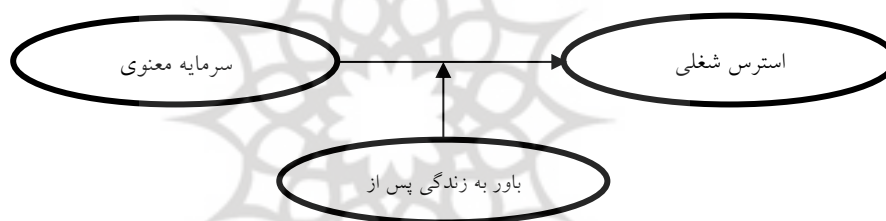
فراتر از توان سرمایه معنوی اسلامی برای استرس شغلی، نادیده گرفتن عوامل روانی، اجتماعی و زیستی دیگر که به‌طور بالقوه می‌توانند در این رابطه تغییراتی را به وجود آورند، موجب غفلت از حقایقی ارزشمند می‌شود. در نگاهی به عوامل مختلف روانی، باور به زندگی پس از مرگ یکی از عوامل با اهمیت است که تقریباً ردپای آن را می‌توان در همه رفتارهای مشهود و نامشهود انسان دید. از نگاه اندیشمندان حوزه معرفت‌شناسی دینی و مذهبی، باور به زندگی پس از مرگ توان بالقوه بالایی در تاثیرگذاری بر حالات و رفتارهای مختلف انسان دارد. به‌ویژه زمانی که این نوع باورها در بستری معنوی مانند سرمایه معنوی اسلامی وارد عمل می‌شوند از طریق اثرات هم افزا توان سرمایه معنوی اسلامی را برای کاهش پدیده‌هایی مانند استرس شغلی افزایش می‌دهد. باور به زندگی پس از مرگ از زمره باورهای شایع و فراگیر در میان پیروان ادیان یکتاپرست است (فلانلی، الیسون، گالک و کوته‌نیگ^۳، ۲۰۰۸). بررسی فلانلی و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که باور به زندگی پس از مرگ در میان بهودیان، مسیحیان، هندوها (بودائی‌ان) و مسمانان دارای بنیان‌های نظری و اعتقادی روشنی است. در میان مسلمانان و بر پایه تاکید قرآن کریم، زندگی پس از مرگ شامل دو مرحله برای تجدید حیات و داوری از جانب خداوند در باره اعمال انسان است. مسمانان زندگی پس از مرگ را زندگی قطعی دانسته و بر این موضوع که در زندگی پس از مرگ انسان بر پایه شواهدی که از عملکرد و رفتارشان در دوره زندگی خاکی ثبت و ضبط شده مورد داوری و تعیین جایگاه قرار خواهد گرفت، تاکید ویژه‌ای شده است (فلانلی و همکاران، ۲۰۰۸).

صرف‌نظر از تفاوت‌های احتمالی بین نوع باورهایی که در میان ملل مختلف در مورد زندگی پس از مرگ وجود دارد، درون‌مایه باور به زندگی پس از مرگ مبتنی بر سعادت یا فلاکت بر پایه اعمالی است که در دوره حیات خود انسان‌ها مرتکب شده‌اند. به این معنی که کیفیت زندگی پس از مرگ برای انسان بر پایه باورهای موجود به عملکرد و تجارب انسان در دوره حیات خود وابستگی تام دارد (فلانلی، کوته‌نیگ، الیسون، گالک و کرایوز^۴، ۲۰۰۶؛ فلانلی، الیسون، گالک و سیلتون^۵، ۲۰۱۲). این وابسته شدن کیفیت زندگی پس از مرگ به اعمال و رفتارها در زندگی که در واقع درون مایه باور به زندگی پس از مرگ را شکل می‌دهد، نقش‌ها و کارکردهایی را در سطح روانی و رفتاری برای انسان‌ها به دنبال می‌آورد. بر اساس شواهد پژوهشی در دسترس باور به زندگی پس از مرگ با معنویت و سازه‌های مذهبی دیگر (نظیر تعهد مذهبی و پایبندی رفتاری به آداب و شعائر مذهبی) به لحاظ مضامین و آموزه‌های مذهبی و معنوی معطوف به رسالت انسان در زندگی روی کره زمین ارتباطی معنادار پیدا می‌کند (کار و شارپ^۶، ۲۰۱۳؛ فلانلی و همکاران، ۲۰۰۶). علاوه بر این، باور به زندگی پس از مرگ با شاخص‌های مختلف بهزیستی و سلامتی روانی دارای رابطه مثبت است. از زمره مهمترین شاخص‌های سلامت روانی که تاکنون با باور به زندگی پس از مرگ دارای رابطه معنادار گزارش شده، شکایات جسمانی، اضطراب، افسردگی، سوءظن و بدگمانی و هراس و نگرانی اجتماعی است (فلانلی و همکاران، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲). نگاهی به برخی از مهمترین همبسته‌های باور به زندگی

1. job stress
2. Geigle
3. Flannelly, Ellison, Galek & Koenig
4. Flannelly, Koenig, Ellison, Galek & Krause
5. Flannelly, Ellison, Galek & Silton
6. Carr & Sharp

پس از مرگ، از جمله اضطراب و شکایات جسمانی نشان می‌دهد (فلانلی و همکاران، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲) که باور به زندگی پس از مرگ در کنار سرمایه معنوی قادر است تا با استرس شغلی رابطه برقرار سازد.

فراتر از روابط و پیامدهای احتمالی برای باور به زندگی پس از مرگ، مشخصه این باورها که در بالا به آن‌ها اشاره شد، ظرفیت بالای باور به زندگی پس از مرگ در دخالت در عرصه وسیعی از روابط میان متغیرها را نیز نشان می‌دهد. در واقع وقتی افراد دارای باور به زندگی پس از مرگ باشند، تمامی اعمال، حالات و احساساتشان به عمل بر پایه این باورها وابسته می‌شود. به همین دلیل در پژوهش حاضر بر نقش تعدیل‌کنندگی باور به زندگی پس از مرگ در رابطه بین سرمایه معنوی با استرس شغلی تمرکز شده است. به لحاظ نظری توان تعدیل‌کنندگی باور به زندگی پس از مرگ در رابطه سرمایه معنوی با استرس شغلی، در تمایل به محاسبه و توجه به آثار اعمال و سطح تحملی که این باورها در زندگی برای افراد به ارمغان می‌آورند نهفته است (کار و شارپ، ۲۰۱۳). در واقع افراد دارای باور به زندگی پس از مرگ، تمایلی بنیادین به تحمل ناملازمات برای دریافت پاداش وعده داده شده از طرف خالق بخشایشگر رحمان و رحیم برای آخرت دارند (فلانلی و همکاران، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲). از طرف دیگر، در نگاه سرمایه‌ای به معنویت (سرمایه معنوی) در دین پرفروغ و صلح‌گرای اسلام، نیرو و انرژی مورد نیاز برای زندگی از توکل و توسل پیوسته به خدای متعال وام گرفته می‌شود (گل‌پرور و جوادیان، ۲۰۱۶). به همین جهت نیز وقتی فرد به لحاظ باور به زندگی پس از مرگ آمادگی و تمایل بالایی به تحمل ناملازمات برای دریافت پاداش وعده داده شده از طرف خالق هستی داشته باشد، ساده‌تر نیز سرمایه معنوی در وی منجر به کاهش استرس شغلی تجربه شده حین کار خواهد شد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که باور به زندگی پس از مرگ، بتواند رابطه سرمایه معنوی مبتنی بر توکل و دل‌بستگی به یگانه خالق هستی را با استرس شغلی تحت تاثیر قرار دهد. بر همین پایه مدل نظری پژوهش حاضر و فرضیه‌های مربوطه به شرح زیر (شکل ۱) در نظر گرفته شده‌اند.



شکل ۱. مدل نظری و مفهومی پژوهش حاضر

روش

این مطالعه توصیفی (از نوع پژوهش‌های همبستگی) در میان کارکنان یک کارخانه کاشی‌سازی در شهر اصفهان در بهار سال ۱۳۹۴ به تعداد ۴۰۰ (جامعه آماری)، که از میان آن‌ها با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه برای این پژوهش انتخاب شدند، اجرا شده است. حجم نمونه ۲۵۰ نفر بر مبنای توصیه‌های مطرح شده در منابع مرجع برای حجم نمونه مورد نیاز برای تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی انتخاب شده است (پدهازر^۱، ۱۹۹۷). پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، ده پرسشنامه (معادل ۴ درصد) به دلیل ناقص پاسخ داده شدن، از تحلیل‌های نهایی حذف گردید، بنابراین گروه نمونه پژوهش به ۲۴۰ نفر کاهش یافت (نرخ بازگشت ۹۶ درصد).

ابزار پژوهش

پرسشنامه سرمایه معنوی اسلامی^۲ (ISCQ): برای سنجش سرمایه معنوی از پرسشنامه بیست سوالی ساخت و معرفی شده توسط گل‌پرور و جوادیان (۲۰۱۶) که دارای چهار خرده مقیاس دل‌بستگی به خداوند (۸ سوال)، ارزش‌گرایی معنوی (۴ سوال)، تاثیرگذاری معنوی (۴ سوال) و رابطه تعالی‌گرای با خداوند (۴ سوال) است استفاده شد. این بیست سوال مبتنی بر تعاریف ارائه شده از سرمایه معنوی در متون علمی ساخته شده است (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۹۳ ب). مقیاس پاسخ‌گویی این پرسشنامه در این پژوهش پنج درجه‌ای (بسیار کم) = ۱ تا بسیار زیاد = ۵ بود. گل‌پرور و جوادیان (۲۰۱۶) روایی سازه این پرسشنامه را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی مستند ساخته و نشان داده‌اند که خرده مقیاس‌های این پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است. آلفای کرونباخ به دست آمده برای این پرسشنامه

1. Pedhazur
2. Islamic Spiritual Capital Questionnaire

به ترتیب برای دل‌بستگی به خداوند، ارزش‌گرایی معنوی، تاثیرگذاری معنوی و رابطه تعالی‌گرایی با خداوند برابر با ۰/۰۹، ۰/۰۷۶، ۰/۰۶۵ و ۰/۰۸۳ گزارش شده است (گل‌پرور و جوادیان، ۲۰۱۶). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ کل پرسشنامه سرمایه معنوی برابر با ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسشنامه استرس شغلی^۱ (JSQ): برای سنجش استرس شغلی از پرسشنامه پنج سوالی که توسط گل‌پرور، کامکار و جوادیان (۲۰۱۲) معرفی شده و با مقیاس پاسخگویی شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۷) استفاده شد. این پرسشنامه سطح کلی فشارهای کاری که بر افراد در حین انجام کارشان در سازمان به آنها وارد می‌شود را سنجش می‌کند. گل‌پرور و همکاران (۲۰۱۲) روایی سازه این پرسشنامه را بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی مستند ساخته و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷ را برای این پرسشنامه گزارش نموده‌اند. در پژوهش گل‌پرور و همکاران (۲۰۱۲) تحلیل عاملی اکتشافی مجدد تک عاملی بودن این پرسشنامه را دوباره تایید نموده و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۲ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۷۳ به دست آمد.

پرسشنامه باور به زندگی پس از مرگ^۲ (BLADQ): برای سنجش باور به زندگی پس از مرگ، از پرسشنامه ده سوالی معرفی شده توسط اوسارچاک و تاتز (۱۹۷۳) استفاده شد. مقیاس پاسخ‌گویی برای این پرسشنامه در این پژوهش شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۶) بود و شواهد مربوط به روایی و پایایی این پرسشنامه بر اساس گزارش برینگ^۳ (۲۰۰۲) مطلوب و مناسب است. برای نمونه شواهد ارائه شده نشان می‌دهد که پرسشنامه باور به زندگی پس از مرگ اوسارچاک و تاتز (۱۹۷۳) با دیگر پرسشنامه‌های باور به زندگی پس از مرگ دارای روایی همگرایی معناداری است. همچنین آلفای کرونباخ گزارش شده برای این پرسشنامه در یک مطالعه ۰/۸۹ گزارش شده است (برینگ، ۲۰۰۲). در پژوهش حاضر برای بررسی روایی سازه این پرسشنامه تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریمکس انجام گرفت. نتایج این تحلیل نشان داده که سوالات این پرسشنامه با بار عاملی بالای ۰/۴ قابل تجمیع بر یک واحد می‌باشد. همچنین در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۶۷ به دست آمد. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی با استفاده از نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی^۴ (SPSS) تحلیل گردید. روش اجرای پژوهش به این شکل بود که پس از انجام هماهنگی‌های لازم با مدیریت کارخانه کاشی‌سازی که نمونه این پژوهش آن انتخاب گردید، با مراجعه به کارکنان در محل کار خود، از آنها درخواست می‌شد تا با دریافت پرسشنامه در اولین فرصت ممکن در زمان استراحت اقدام به پاسخ‌گویی به ابزارهای پژوهش بنمایند. بنابراین ابزارهای پژوهش در محل کار کارکنان و به صورت خودگزارش دهی پاسخ داده شده‌اند.

یافته‌ها

از کل اعضای نمونه، ۱۱۶ نفر (معادل ۴۸/۳ درصد) دارای تحصیلات تا دیپلم و ۱۲۴ نفر (معادل ۵۱/۷ درصد) دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و بالاتر بودند. از کل اعضای نمونه، ۲۰۲ نفر (معادل ۸۴/۲ درصد) مرد و ۳۸ نفر (معادل ۱۵/۸ درصد) زن بودند. از ۲۳۶ نفر که وضعیت تاهل خود را اعلام داشتند، ۳۳ نفر مجرد (معادل ۱۳/۸ درصد) و ۲۰۳ نفر متأهل (معادل ۸۴/۵ درصد) بودند. میانگین سنی اعضای نمونه ۳۲/۵۳ سال (با انحراف معیار ۵/۶۴) و میانگین سابقه شغلی آنها ۹/۴۸ سال (با انحراف معیار ۵/۰۳) بود. در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

1. Job Stress Questionnaire
2. Belief in Life-After-Death Questionnaire
3. Bering
4. Statistical Package for Social Science

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	M	SD	۱	۲
۱	باور به زندگی پس از مرگ	۳/۹۱	۰/۵۹	-	
۲	سرمایه معنوی	۳/۱۳	۰/۴۱	۰/۰۹	-
۳	استرس شغلی	۳/۷۸	۰/۶	-۰/۱۱	-۰/۴۵**

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

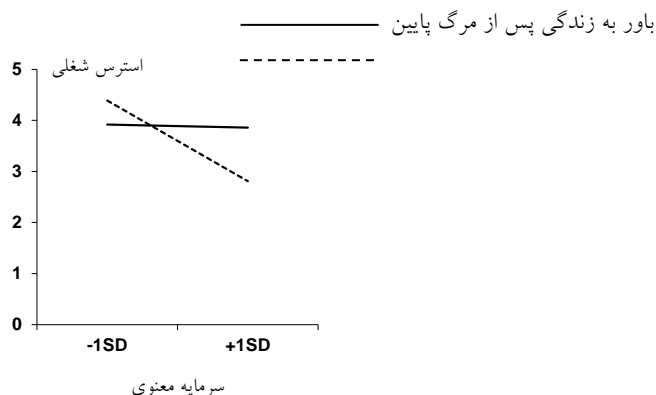
چنان‌که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، سرمایه معنوی با استرس شغلی دارای رابطه منفی و معنادار است ($p < 0.01$)، ولی با باور به زندگی پس از مرگ دارای رابطه معنادار نیست ($p > 0.05$). همچنین باور به زندگی پس از مرگ با استرس شغلی دارای رابطه معناداری نیست ($p > 0.05$). بنابراین نتایج ارائه شده در جدول ۱ فرضیه اول پژوهش مبنی بر این‌که سرمایه معنوی با استرس شغلی دارای رابطه منفی و معناداری است تایید می‌شود، ولی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این‌که باور به زندگی پس از مرگ با سرمایه معنوی دارای رابطه مثبت و معناداری است مورد تایید قرار نمی‌گیرد. در جدول ۲، نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی برای نقش تعدیل‌کننده باور به زندگی پس از مرگ در رابطه سرمایه معنوی با استرس شغلی ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی برای پیش‌بینی استرس شغلی از طریق سرمایه معنوی و باور به زندگی پس از مرگ

ردیف	متغیرهای پیش‌بین	استرس شغلی		
		بلوک ۱	بلوک ۲	بلوک ۳
		β	β	β
۱	سرمایه معنوی	-۰/۴۵**	-۰/۴۶**	-۰/۴۶**
۲	باور به زندگی پس از مرگ	-	-۰/۱۵*	-۰/۱۹**
۳	سرمایه معنوی × باور به زندگی پس از مرگ	-	-	۰/۱۱*
۴	ΔR^2	۰/۱۹۹	۰/۰۲۱	۰/۰۱
۵	ΔF	۵۹/۱۷**	۶/۵۱**	۳/۱۳*

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در بلوک اول سرمایه معنوی با ضریب بتای استاندارد برابر با ۰/۴۵-، ۱۹/۹ درصد از واریانس استرس شغلی را تبیین نموده است. در گام دوم که باور به زندگی پس از مرگ افزوده شده، با ضریب بتای استاندارد منفی برابر با ۰/۱۵-، ۲/۱ درصد واریانس افزوده معنادار برای پیش‌بینی استرس شغلی پدید آورده است. در بلوک سوم (اثرات اصلی + تعامل‌ها) تعامل سرمایه معنوی و باور به زندگی پس از مرگ به معادله پیش‌بین افزوده شده است. چنان‌که مشاهده می‌شود، تعامل سرمایه معنوی × باور به زندگی پس از مرگ با ضریب بتای استاندارد ۰/۱۱+ توانسته ۱ درصد واریانس انحصاری افزوده معنادار برای پیش‌بینی استرس شغلی پدید آورد. این تعامل معنادار به این معنی است که رابطه سرمایه معنوی با استرس شغلی در باور به زندگی پس از مرگ پایین و بالا با یکدیگر متفاوت است. تحلیل ساده شیب خط در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲- رابطه سرمایه معنوی با استرس شغلی در باور به زندگی پس از مرگ بالا و پایین

چنان که در شکل ۲ ملاحظه می‌شود، در باور به زندگی پس از مرگ پایین، بین سرمایه معنوی و استرس شغلی رابطه معناداری وجود ندارد ($\beta = -0.02$, $R^2 = 0.0001$, $n.s$)، ولی در باور به زندگی پس از مرگ بالا، بین سرمایه معنوی و استرس شغلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($\beta = 0.05$, $R^2 = 0.254$, $p < 0.001$).

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش باور به زندگی پس از مرگ در رابطه سرمایه معنوی اسلامی و استرس شغلی اجرا شد تا مشخص گردد که باور به زندگی پس از مرگ در عرصه رابطه میان سرمایه معنوی با استرس شغلی دارای چه کارکردهایی است. در نگاه اول نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه معنوی با باور به زندگی پس از مرگ دارای رابطه معنادار نیست، ولی با استرس شغلی دارای رابطه منفی و معنادار است. رابطه منفی بین سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی بر اساس مبانی نظری مطرح برای سرمایه معنوی پیش‌بینی می‌شد که در این پژوهش نیز تایید شد. رابطه منفی به دست آمده بین سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی به‌طور ضمنی با یافته‌های گزارش شده در خصوص رابطه مثبت بین سرمایه معنوی با بهزیستی معنوی و روان‌شناختی (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۳ الف) با توجه به این که استرس شغلی عاملی تهدیدکننده برای بهزیستی افراد است، همسویی دارد. از بعد نظری، دلیل رابطه منفی بین سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی در ماهیت حمایتی-سرمایه‌ای، سرمایه معنوی اسلامی مربوط می‌شود. دلیل افزودن واژه سرمایه پیش از معنویت در اصطلاح سرمایه معنوی اسلامی، این بوده تا با قیاس بین سرمایه اقتصادی که افراد می‌توانند برای سرمایه‌گذاری و صرف هزینه از آن برداشت نموده و امور اقتصادی و مالی خود را به پیش ببرند، معنویت را نیز به‌سان منبعی که افراد در لحظات مختلف می‌توانند از آن برداشت روانی-معنوی نموده و امور و مشکلات زندگی اجتماعی و فردی خود را به پیش ببرند معرفی نمائیم. علاوه بر این سرمایه معنوی هم مانند هر نوع سرمایه دیگر توان افزایشی و زایشی با سرمایه‌گذاری دینی و معنوی را دارد (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۳ ب). به همین لحاظ دل‌بستگی به خداوند، ارزش‌گرایی معنوی، تاثیرگذاری معنوی و رابطه تعالی‌گرای با خداوند به عنوان مولفه‌های اصلی سرمایه معنوی و اسلامی منابعی معنوی هستند که در لحظه مواجه شدن با استرس افراد می‌توانند از آن‌ها وام گرفته و استفاده کنند. از بعد عملی نیز زمانی که انسان احساس کند با نیرویی فرافردی و محیط بر همه جا و همه چیز یعنی خدای یگانه در ارتباط است، بسیاری از مشکلات خود را نیز با توکل و توسل به این نیروی فرافردی برطرف خواهد کرد. برآیند این موارد همه کاهش استرس شغلی خواهد بود.

علاوه بر آن چه در باره رابطه سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی گفته شد، انتظار می‌رفت که سرمایه معنوی اسلامی با باور به زندگی پس از مرگ دارای رابطه مثبت باشد، اما این رابطه در این پژوهش به دست نیامد. کار و شارپ (۲۰۱۳) و فلائلی و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش‌های خود بین باور به زندگی پس از مرگ با معنویت و سازه‌های مذهبی دیگر (نظیر تعهد مذهبی و پایبندی رفتاری به آداب و شعائر مذهبی) رابطه معناداری را گزارش نموده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که عدم رابطه معنادار بین سرمایه معنوی اسلامی با باور به زندگی پس از مرگ که در این پژوهش به دست آمد با نتایج پژوهش کار و شارپ (۲۰۱۳) و فلائلی و همکاران (۲۰۰۶) ناهم‌سویی وجود

دارد. در تفسیر این ناهمسویی احتمالی لازم است به چند حقیقت توجه شود. حقیقت اول این‌که به جای معنویت، در پژوهش حاضر سرمایه معنوی اسلامی مورد سنجش و تحلیل قرار گرفته است. سرمایه معنوی اسلامی از حیث محتوایی با باورهای معنوی که در بسیاری از پژوهش‌های خارج از ایران مورد سنجش قرار می‌گیرد تفاوتی ماهوی و بنیادی دارد (گل‌پرور و جوادیان، ۲۰۱۶). سرمایه معنوی اسلامی بر این حقیقت دین مبین اسلام صورت‌بندی و در پژوهش‌های چندی مورد استفاده قرار گرفته که پیوند مداوم بین انسان و خالق هستی از طریق رفتارهای عبادی و نیایشی که در قالب نماز و دیگر عبادت‌ها در دین اسلام مورد تأکید قرار گرفته، ایجاد شده و توان انرژی‌زایی، هدایت‌گری و حمایتی پیدا می‌کند (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۹۳ الف و ب). این قالب‌بندی محتوایی در سرمایه معنوی اسلامی همچنین بر توکل و توسل دائمی به قادر مطلق، متعال و عادل هستی پایه‌گذاری شده و نه باورهای معنوی که در بسیاری از پژوهش‌های خارجی مبتنی بر باورهای معنابخش در زندگی (نه باورهای معطوف به توکل و توسل به خدای متعال) مورد استفاده و تحلیل قرار گرفته‌اند. با در نظر داشتن این توضیح، ممکن است که سرمایه معنوی اسلامی با باورهای عمومی در باره زندگی پس از مرگ که در این پژوهش مورد استفاده و رابطه‌سنجی قرار گرفته رابطه نداشته باشد، بلکه بیشتر با باورهای زندگی پس از مرگ اسلامی در ارتباط باشد. بنابراین لازم است تا در آینده در حد امکان باور به زندگی پس از مرگ اسلامی مورد سنجش و رابطه‌سنجی با سرمایه معنوی اسلامی قرار گیرد تا مشخص گردد که آیا سرمایه معنوی اسلامی با باورهای زندگی پس از مرگ اسلامی رابطه دارد یا خیر.

آخرین یافته‌ای که در این پژوهش به دست آمد، این بود که در باور به زندگی پس از مرگ بالا، سرمایه معنوی اسلامی با قوت موجب کاهش استرس شغلی گردید، ولی در باور به زندگی پس از مرگ پایین سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی دارای رابطه معناداری نبود. این یافته‌ای است که هیچ نمونه مشابهی در جستجوهای مکرر در پژوهش‌های دیگر پژوهشگران برای آن یافت نشد. ایده زیربنایی مطرح در باره نقش باور به زندگی پس از مرگ در رابطه سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی این بود که باور به زندگی پس از مرگ را می‌توان تابع نوعی ایدئولوژی و معرفت‌شناسی آخرت‌گرا دانست که در آن خدای برحق و عادل وعده رسیدگی به ذرهای اعمال نیک و بد را داده است. این بنیان معرفتی و ایدئولوژیک آخرت‌گرای مستتر در باور به زندگی پس از مرگ در صورتی که نیرومند باشد (یعنی همان باور به زندگی پس از مرگ بالا در پژوهش حاضر) به‌طور منطقی باعث تسهیل رابطه بین سرمایه معنوی اسلامی با استرس شغلی خواهد شد. به معنای دیگر وقتی فرد باور دارد که پس از این زندگی در کره خاکی مراحل بعدی زندگی با مرگ وی آغاز خواهد شد، بنابراین زندگی دنیایی را جاویدان و بی‌پایان نخواهد نگریست. این امر حتی اگر ماهیت ناخودآگاه هم داشته باشد، در سطح روانی و ذهنی باعث می‌شود تا نیرو و توان حاصل از سرمایه معنوی اسلامی استرس شغلی این دنیای فناپذیر را با شدت بیشتری کاهش دهد. از طرف دیگر بنیان‌های مشترک معرفت‌شناختی و مذهبی باور به زندگی پس از مرگ و سرمایه معنوی اسلامی این امکان را فراهم می‌سازد تا سرمایه معنوی اسلامی و باور به زندگی پس از مرگ از طریق نوعی فرایند اثرات هم‌افزا (یعنی یکی اثرات دیگری را به شدت افزایش داده و تقویت می‌کند) تأثیرات یکدیگر بر استرس شغلی را تشدید و تقویت نمایند.

در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که باور به زندگی پس از مرگ قادر است تا با تعاملی پویا و زاینده بستر ساز غنای فزاینده کاهش استرس شغلی از طریق سرمایه معنوی شود. در سطح کاربردی بر پایه یافته‌های این پژوهش شاید بتوان به افراد توصیه کرد تا در حین تقویت باور حقیقی و قابل تحقق زندگی پس از مرگ، مسیرهای تقویت سرمایه معنوی خود در سطح ارتباطی (دلبستگی به خداوند و رابطه تعالی‌گرا با خداوند) و عملی (ارزش‌گرایی و تاثیرگذاری معنوی) را همواره مد نظر قرار داده و از آن‌ها غفلت نکنند تا از آن طریق بتوانند سطح استری شغلی خود را کاهش دهند. همچنین تقویت باور به زندگی پس از مرگ در سطح مجامع کاری می‌تواند بستر ساز برقراری پیوند نیرومندتر اما تضعیف‌کننده بین سرمایه معنوی با استرس شغلی گردد. از لحاظ پژوهشی نیز پژوهشگران علاقه‌مند با توجه به این‌که سرمایه معنوی صورت‌بندی نظری رو به تکاملی از معنویت محسوب می‌گردد، توصیه می‌شود تا به صورتی عمیق و محتوایی به بررسی نقش‌ها و کارکردهای این پدیده در میان اقشار مختلف جامعه پرداخته و بستر را برای یاری هم‌نوعان برای حرکت در مسیر لقاءالله فراهم آورند. در پایان نیز لازم است تا در تعمیم نتایج این پژوهش به محدودیت‌هایی نظیر عدم تفسیر علت و معلولی نتایج و محدود بودن نمونه به کارکنان یک مجموعه تولیدی و صنعتی توجه لازم و کافی بشود.

منابع

- آزاد مرزآبادی، ا.، هوشمندجا، م.، و پورخلیل، م. (۱۳۹۲). رابطه معنویت سازمانی و هوش معنوی با استرس شغلی کارکنان یک دانشگاه نظامی. *مجله طب نظامی*، ۱۵(۱)، ۴۳-۵۰.
- زارعی محمودآبادی، ح.، و سدروپوشان، ن. (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی با فرسودگی شغلی معلمان زن. *فصلنامه طب کار*، ۶(۴)، ۶۶-۷۴.

گل پرور، م.، احمدی ا.، و جوادیان، ز. (۱۳۹۳ الف). رابطه مولفه های سرمایه معنوی با بهزیستی معنوی و روان شناختی. *فصلنامه پژوهش های روان شناختی*، ۳۴ (۳/۱۷)، ۳۰-۵۲.

گل پرور، م.، دارابی، ن.، و خیاطان، ف. (۱۳۹۳ ب). ساخت مقیاس فرم کوتاه سرمایه معنوی و بهزیستی معنوی اسلامی. *دوفصلنامه انسان پژوهی دینی*، ۱۱ (۳۲)، ۱۶۷-۱۸۸.

گل پرور، م.، نیری، ش.، و مهداد، ع. (۱۳۸۷). رابطه استرس، فرسودگی هیجانی و رفتارهای انحرافی سازمانی در شرکت سهامی ذوب آهن: شواهدی برای مدل استرس-فرسودگی (عدم تعادل)-جبران. *مجله روان شناسی اجتماعی (یافته های نو در روان شناسی)*، ۲ (۸)، ۳۴-۱۹.

- Akbari, B. (2013). Examine the relationship between religiosity and social capital. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 3(12), 328-336.
- Baker, C., & Smith, G. (2010). Spiritual, religious and social capital: exploring their dimensions and their relationship with faith-based motivation and participation in UK civil society. *Based on a paper presented at the BSA Sociology of Religion Group Conference, Edinburgh April 2010*.
- Bering, J. M. (2002). Intuitive conceptions of dead agents' minds: The natural foundations of afterlife beliefs as phenomenological boundary. *Journal of Cognition and Culture*, 2(4), 263-308.
- Carr, D., & Sharp, S. (2013). Do afterlife beliefs affect psychological adjustment to late-life spousal loss? *Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 69(1), 103-112.
- Flannelly, K. J., Ellison, C. G., Galek, K., & Koenig, H. G. (2008). Beliefs about life-after-death, psychiatric symptomology and cognitive theories of psychopathology. *Journal of Psychology & Theology*, 36(2), 94-103.
- Flannelly, K. J., Ellison, C. G., Galek, K., & Siltan, N. R. (2012). Belief in life-after-death, beliefs about the world, and psychiatric symptoms. *Journal of Religion and Health*, 51(3), 651-62.
- Flannelly, K. J., Koenig, H. G., Ellison, C. G., Galek, K., & Krause, N. (2006). Belief in life after death and mental health findings from a national survey. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 194(7), 524-529.
- Geigle, D. (2012). Workplace spirituality empirical research: A literature review. *Business and Management Review*, 2(10), 14-27.
- Golparvar, M., & Javadian, Z. (2016). The spiritual capital scale: development and psychometric properties. *Journal of Research & Health*, 5(4), 25-35.
- Golparvar, M., Kamkar, M., & Javadian, Z. (2012). Moderating effects of job stress in emotional exhaustion and feeling of energy relationships with positive and negative behaviors: job stress multiple functions approach. *International Journal of Psychological Studies*, 4(4), 99- 112.
- Hämmerli, M. (2011). Religion and spirituality between capital and gift. *Religion & Theology* 18(1-2), 195-210.
- Kelso-Wright, P. (2012). Spiritual history assessment and occupational therapy: Students using the FICA. *Master Thesis in Occupational Therapy, University of Puget Sound; PP: 42*.
- Liu, A. (2011). Measuring spiritual capital as a latent variable. *Document Retrieved 11 July 2011 from; <http://www.researchmethods.org/4capital.htm>, PP: 14*.
- Osarchuk, M., & Tatz, S. J. (1973). Effect of induced fear of death on belief in afterlife. *Journal of Personality and Social Psychology*, 27(2), 256-260.
- Palmer, D. A., & Wong, M. (2013). Clarifying the concept of spiritual capital. *Tenth annual symposium on the social scientific study of religion in China, the Chinese University of Hong Kong, 10-13 July 2013, 1-20*.
- Pedhazur, E. J. (1997). *Multiple regression in behavioral research*. 3rd Ed, Fort Worth, TX: Harcourt Brace.
- Schwartz, L. M. (2010). Enhancing spiritual capital on campus: Practical action steps for improving campus spiritual climate. *Spirituality in Higher Education Newsletter*, 5(5), 1-6.
- Waetford, C. M. R. (2007). A literature review of spiritual capital, developments of spirituality in the workplace, and contributions from a Māori perspective. *Bachelor Dissertation in Management and Employment Relations, University of Auckland, Aotearoa/ New Zealand; PP: 57*.
- Yusuf, M. B. (2011). Effects of spiritual capital on Muslim economy: The case of Malaysia. *Research on Humanity and Social Science*, 1(2), 23-40.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی